

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۹۴، صفحات ۱۲۷-۱۵۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۱۵

بررسی مشارکتهای اقتصادی زنان شهری در عصر قاجار با تکیه بر

گزارش سیاحان خارجی

زهرا علیزاده بیرجندی^۱

اکرم ناصری^۲

چکیده

به‌رغم محدودیت‌های زنان عصر قاجار از جهت حضور در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، برخی از روایات تاریخی متضمن اشاراتی در باب مشارکتهای اقتصادی زنان در جامعه آن روز است. از میان منابع موجود، سفرنامه‌ها به‌ویژه گزارش سیاحان خارجی بیشتر از سایر آثار به این مسأله پرداخته‌اند.

نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان عصر قاجار اعم از زنان شهری، روستایی و عشایری بر اساس موقعیت، تجربیات و توانمندی‌هایشان در عرصه‌های اقتصادی فعالیت داشته‌اند. در بین این زنان، زنان شهری تحت تأثیر افکار روشنفکران و ورود نوگرایی، حوزه‌های فعالیت اقتصادی خود را گسترش داده و در مواردی در جراید نسوان، ایده‌هایی را در جهت تقویت اقتصاد بومی و خودکفایی ابراز نمودند. پژوهش حاضر بر آن است با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی ضمن تحلیل و بررسی نحوه مشارکت اقتصادی زنان در عصر قاجار به تبیین اندیشه‌های نوگرایانه در میان طبقه زنان شهری بپردازد.

واژگان کلیدی: زنان شهری، قاجار، مشارکتهای اقتصادی، نوگرایی.

Email: zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

Email: akram.naseri@stu.um.ac.ir

۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

۲- دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).

A Survey on the Economical Participation of Urban Women in Qajar Period Based on the Foreign Tourists's Records

Z. Alizadeh Birjandi¹

A. Naseri²

Abstract:

Although women in Qajar period were confined to participate in the economical and social events, there are some evidences showing their economical participation in the society of that time. Among the available historical references, travelogues and records of foreign tourists and voyagers tackled this issue more. Research showed that rural, tribal and urban women in Qajar period participated in the economical activities according to their social ranks, abilities, and experiences. Among them, urban women who were influenced by the elites ideas and also Modernism expanded the areas of their economic activities. In some cases women in the media expressed their ideas in order to strengthen the local economy and self-sufficiency. The present study is based on a descriptive - analytic method aiming at analyzing various aspects of women's economic participation in urban lives in the Qajar era to explain the innovative ideas of urban class women.

Keywords: Urban Women, Economic Participation, Qajar, Modernism.

1- Associate professor of History, University of Birjand Email: zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

2- PHD student of History of Islamic Iran, University of Ferdowsi (Responsible author).
Email: akram.naseri@stu.um.ac.ir

مقدمه

عصر قاجاریه سرآغاز فصل جدیدی در حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان ایرانی است. بر اثر اصلاحاتی که در این دوره به‌ویژه بعد از جنگ‌های ایران و روس صورت گرفت فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران دچار تحول شد. آرای روشنفکران ایرانی و ترجمه آثار اروپایی، اندیشه‌های نوینی را در میان آحاد جامعه و از جمله زنان پدید آورد. زنان عصر قاجار از طریق این آثار و تحولات اجتماعی به نقش‌های مختلف خود در جامعه آگاه شدند و مطالبات جدیدی را به‌ویژه در عرصه‌ی اقتصادی پیدا کردند.

آشنایی با روند تحولات جایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی زنان عصر قاجار، از جنبه‌های گوناگون به‌ویژه از بُعد مطالعات تاریخ اجتماعی و آگاهی از برخی زوایای مغفول حیات اجتماعی زنان؛ حائز اهمیت است. بدیهی است که این سیر تحول و تداوم جامعه، مرتبط با آداب و رسوم و فرهنگ آنان است و ریشه در اعصار و قرون دارد. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چه عواملی زمینه‌ساز حضور زنان عصر قاجار در فعالیت‌های اقتصادی شد؟ در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و از طریق ارائه‌ی شواهد تاریخی برگرفته از سفرنامه‌ها و گزارش‌های سیاحان به پرسش تحقیق پاسخ داده شده است.

در خصوص پیشینه‌ی تحقیق گفتنی است که در حوزه‌ی نقش اقتصادی زنان در ایران مطالعه عمیقی صورت نگرفته و اشارات پراکنده‌ای در این زمینه شده است. در کتاب جنبش حقوق زنان از سانا ساریان نویسنده بیشتر بر فعالیت‌های سیاسی تأکید داشته و به مباحث اقتصادی نپرداخته است. در میان تحقیقات نیز می‌توان به مقاله «موقعیت اجتماعی زنان در آغاز قرن ۱۴ ه.ق.» به قلم خانم منصوره اتحادیه در نشریه کلک پژوهش، شماره ۵۵ اشاره کرد. در این مقاله نویسنده پس از بررسی موقعیت اجتماعی زنان در طبقات پایین جامعه به حضور آنان در فعالیت‌های سیاسی پرداخته است. بیژن خواجه نوری نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی و تحلیل نقش اجتماعی زنان در تاریخ ایران»، جریان رشد و افول منزلت زنان از ورود آریاییان تا سلسله پهلوی را مورد بررسی قرار داده است. اگرچه نویسنده در این اثر به جنبه‌های مختلف زندگی زنان در طول تاریخ توجه داشته، لیکن در مقایسه با نقش سیاسی زنان در ادوار تاریخ، مباحث پیرامون نقش اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته

است. با توجه به آنچه گذشت می‌توان دریافت که تاکنون پژوهشی مستقل در باب فعالیت‌های اقتصادی زنان عصر قاجار با تکیه بر سفرنامه‌های خارجی نگارش نیافته است، لذا ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی آشکار می‌گردد.

نگرشی بر وضعیت اقتصادی ایران در عصر قاجاریه

در خصوص اوضاع اقتصادی ایران عصر قاجار نظرات مختلفی ارائه شده است. برخی تصویر ایران این دوره را از نظر اقتصادی عقب‌مانده ترسیم کرده‌اند و عده‌ای نیز از توسعه اقتصادی در این دوران سخن گفته‌اند که این توسعه اقتصادی قابل قیاس با کشورهای پیشرفته آن عصر نیست. برخی از نظریه‌پردازان از جمله فوران این توسعه را، توسعه‌ای وابسته قلمداد کرده و از وابستگی فزاینده ایران و موقعیت حاشیه‌ای آن در نظام جهانی سخن گفته است. فوران در بررسی‌های تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار به تفکیک سه بخش شهری، روستایی و عشایری را با در نظر داشتن نحوه فعالیت و حضور طبقات گوناگون مورد توجه قرار داده است. وی به هنگام بحث از وضعیت رفاه اقتصادی، تفاوت‌های طبقاتی و مناطق گوناگون را با توجه به موقعیت زمانی در نظر داشته است. فوران در یک جمع‌بندی کلی موقعیت اقتصادی قاجاریه در مقایسه با صفویه را ضعیف‌تر دانسته است (فوران، ۱۳۷۱: ۲۱۴).

از ویژگی‌های دیگر اقتصاد در این دوره، اتکای اقتصاد ایران بر وجه تولید کشاورزی است، به طوری که تأثیر این ویژگی را در نوع مشاغل، تولیدات اقتصادی و اقلام صادراتی می‌توان مشاهده کرد (اشرف، ۱۳۵۹: ۷۳). برای نمونه صادرات ایران را محصولاتی از قبیل پنبه، برنج، تریاک، میوه‌هایی نظیر بادام، پسته، خرما و پرتغال تشکیل می‌داده‌اند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۱۲؛ جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۷). به‌مرور در این دوران تحت تأثیر آثار و آرای روشنفکران و نخبه‌های ایران و ورود نوگرایی، زمینه‌ای جهت طرح اندیشه‌های نو و مطالبات جدید در حوزه اقتصادی مطرح شد. روشنفکرانی از قبیل میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله از تأسیس نهادهای اقتصادی نو نظیر بانک سخن گفته‌اند و برخی از تجار سرشناس نظیر امین‌الضرب لزوم تحول زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد تسهیلات و امنیت شغلی تجار و تشکلات صنفی (انجمن وکلای تجار) را به شاه گوشزد نموده‌اند (اشرف، ۱۳۵۹: ۸۲؛ مهدوی، ۱۳۷۹: ۳۰۰). علاوه بر روشنفکران، برخی از نخبگان حکومتی نظیر امیرکبیر و میرزا حسین‌خان

سپهسالار نیز در ایام صدارتشان به شیوه‌ای عملی، زمینه‌های تحول ساختارهای سنتی اقتصاد ایران را در آن دوران رقم زده‌اند. اقدامات اقتصادی امیرکبیر مبتنی بر ایجاد صنعت جدید، پیشرفت کشاورزی و توسعه بازرگانی بود (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۸۷). امیر مصمم بود تا در سه عرصه دست به اصلاحات بزند: اول نوآوری در راه نشر فرهنگ و دانش و صنعت جدید. دوم دفاع از هویت ملی و استقلال سیاسی ایران در مقابله با تعرض غربی، سوم اصلاحات سیاسی مملکتی (همان: ۱۵۷). آنچه در این میان به میرزا تقی‌خان برجستگی خاصی بخشید و مظهر تمام اقدامات و اصلاحات امیر گشت، علاقه او به حفظ استقلال سیاسی ایران بود و در برخورد با استعمار سیاسی و اقتصادی اروپایی، حب وطن و ترقی کشور را در دستور کار خود قرار داد (اقبال، ۱۳۵۵: ۱۵۶). به نشر دانش و فنون جدید و اصلاح امور از این جهت همت گماشت که اولاً آن را درمان درد واماندگی و ناتوانی ایران در مقابله با قدرت مغرب زمین می‌دانست که بدون آن، ایران مقامی در جهان مترقی نو نخواهد یافت. ثانیاً پی برده بود که این امر موجب آگاهی و دانایی عامه مردم خواهد شد (آدمیت، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

سه جنبه مهم که امیرکبیر در شیوه حکومت خود مدنظر داشت، عبارت بود از: ۱- قانون و عدالت ۲- رضایت و خرسندی خاطر مردم ۳- تربیت ملت در راستای اطلاع‌رسانی، لذا امیر در آگاهی دادن به مردم و پرورش دانایی و بینایی آن‌ها در جهت اصلاحات عمومی مصمم شد که تشکیلات اداری کشور را اصلاح کند (اقبال، ۱۳۵۵: ۱۸۷). در زمینه رواج صنعت جدید در سال ۱۲۶۷ ه.ق. به‌منظور ایجاد کارگاه‌های صنعتی، شش نفر کارگر فنی، برای مهارت در رشته‌های گوناگون به روسیه و دو نفر به کشور عثمانی فرستاد. این افراد که قرار بود با فنون تازه و شیوه‌های جدید به‌منظور کار بهتر و به دست آوردن محصول بیشتر آشنا شوند، برای تحصیل صنعت کاغذسازی، بلورسازی، چدن‌ریزی، تصفیه شکر، قندسازی، نجاری و اسباب چرخ‌سازی و شمع‌ریزی (شماعی) اعزام شدند و پس از بازگشت در سال ۱۲۷۰ ه.ق. کارخانه‌های بلورسازی، کاغذسازی، شکرریزی، چدن‌ریزی و نجاری در شهرهای اصفهان، تهران و ساری دایر شد (نوایی، ۱۳۶۹: ۵۴۳). هدف امیر آن بود که این جماعت صنعت‌کار در بازگشت به ایران دست به ایجاد کارگاه‌های کوچک و بزرگ زده و جماعتی از ایرانیان را تعلیم دهند تا افراد با استعدادی که به رشته‌های صنعتی علاقه دارند، به‌تدریج از معلم‌فرنگی بی‌نیاز شوند و خود دست به ابداع و ابتکار بزنند. اثر این اقدامات امیر در افزایش

تولیدات کشور و گسترش فعالیت بازرگانی بسیار سودآور بود (آوری، ۱۳۷۳: ۱۲۶). برای مثال دو کارخانه شکرریزی در ساری و بابل ایجاد شد که شکر مازندران را تصفیه می‌کرد و به‌صورت شکر سفید درمی‌آورد و قسمتی از آن صادر می‌گردید. ایجاد کارخانه بلورسازی و چینی‌سازی در قم و تهران و صنایع سماورسازی و کالسکه‌سازی و توجه به صنعت ابریشم-تابی در مقابله با هجوم کالاهای فرنگی برای تقویت صنایع بومی از دیگر اقدامات امیر بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۳۸۰؛ آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۹۸). در رشته نساجی نیز سعی در افزایش کیفیت و کمیت به عمل آمد. یک کارخانه ریسمان‌سازی و یک کارخانه چلواربافی در تهران و شمیران و یک کارگاه حریربافی در کاشان تأسیس شد. در راستای همین گسترش فعالیت بازرگانی، بازار بزرگ تهران به دستور امیر ساخته شد (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۹۲). امیر همچنین با توسعه و نفوذ سرمایه‌گذاری‌های خارجی مخالف بود و ثمره‌ی آن را اسارت و گسترش نفوذ استعماری بیگانه می‌دانست. در همین راستا وی به استخراج معدن دست زد، استاد معدن‌شناسی استخدام کرد، مجمع الصنایعی از مصنوعات ایرانی تأسیس کرد و محصولات ایران را به نمایشگاه بین‌المللی فرستاد. با صدور فرمانی، افرادی که داوطلب استخراج معادن بودند را به حمایت دولت امیدوار ساخت و برای مدت پنج سال از پرداخت مالیات معاف نمود و همزمان خارجی‌ان را از استخراج معادن ایران ممنوع کرد. در زمینه توسعه کشاورزی نیز چند سد بر روی رودخانه‌ها ساخت و زراعت بعضی محصولات جدید را معمول کرد (مکی، ۱۳۵۵: ۱۴۱).

در میان ۳۸۴ نامه‌ی خوانش شده، برخی از نامه‌های امیرکبیر در مورد اقتصاد خطاب به ناصرالدین‌شاه نگاشته شده است که حالتی گزارش گونه دارد؛ اما بعضی دیگر خطاب به کارگزاران حکومتی است. نامه‌ای به والی خوزستان موجود است که امیر در آن به آبادی و گسترش کشاورزی در منطقه حکم داده و می‌نویسد: «شرحی در سفارش آبادی عربستان فرستادم ... در باب به عمل آوردن نیل و شکر که اسباب آبادی مملکت است، لازمه اهتمام ضروری است ... فواید این به دولت و رعیت می‌رسد ... خیلی اهتمام به عمل آورده {تأکید مجدد در انتهای نامه}» (آل‌داوود، ۱۳۵۵: ۹۴-۱۴۳). در این میان نیز توجه به برخی از نامه‌های امیر در خصوص توسعه فرصت‌های اقتصادی در خارج و حمایت از تجار و اتباع ایرانی خارج از کشور ضروری است. میرزا در نامه‌ای خطاب به وزیر مختار روسیه مورخ

ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ه.ق. در باب انتظام امور شیلات می‌نویسد: «خواهش دوستدار {امیرکبیر} از آن جناب مراقبت در امورات میرزا ابراهیم‌خان است ... اگر دولت علیه می‌خواهد ماهی بخرد از شخص ابراهیم‌خان که مستأجر ایران است بایستی ابتیاع کند» (همان: ۱۴۷). این‌گونه امیر، شیلات خزر را از دست اتباع روس گرفت و به ایرانیان سپرد (مکی، ۱۳۵۵: ۱۴۱). امیر در پیشرفت تجارت نیز از بازرگانی داخلی ایران پشتیبانی جدی نمود و به میزان صادرات ایران افزود. با تدابیر امیر، امور تجارت در داخل کشور و دول همجوار روسیه، ترکیه، عربستان، افغانستان، هندوستان در کمال اطمینان بسط و رواج یافت. میرزا حسین-خان سپهسالار نیز در دوران صدارتش اصلاحاتی را در امور اقتصادی نظیر انتظام امور ضربخانه، تقویت اقتصاد ملی، توجه به صنعت ماشینی و تأکید بر تعبیه اسباب چرخ بخار و اهتمام در امر استخراج معادن طبیعی انجام داد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۱۵-۳۱۸).

در این میان نمی‌توان از نقش برخی از علمای نوگرا غفلت نمود. علمای مشروطه‌خواه نظیر نائینی با دفاع از نظام مشروطه و تأسیس نهادهای مدنی جدید در روند این تحولات اقتصادی به‌نوعی اثرگذار بوده‌اند. علاوه بر این، بودند علمایی که با حمایت از پروژه راه‌آهن و سرمایه‌گذاری در راهسازی در اولین گام‌های تحول اقتصادی مشارکت نموده و به‌نوعی دغدغه‌های بهبود بسترهای رشد اقتصادی را مدنظر قرار داده بودند. در این زمینه باید از میرزا جواد مجتهد در مشهد نام برد (همان: ۳۲۷). در واقع می‌توان گفت که تحت تأثیر نوگرایی، اندیشه‌ها و اقدامات نخبگان فکری و حکومتی، ایران در آستانه تحول و گذار از جامعه سنتی (اقتصاد سنتی) به جامعه مدرن قرار گرفت.

بررسی وضعیت و جایگاه اقتصادی زنان در عصر قاجار

با توجه به تأکید مقاله‌ی حاضر بر گزارش سیاحان خارجی، تلاش شده تصویری از وضعیت و جایگاه اقتصادی زنان از لابه‌لای این‌گونه آثار ارائه شود. قبل از پرداختن به نظرات این سیاحان گفتنی است که آرای آن‌ها گاه به دلیل ناآگاهی و عدم شناخت فرهنگ و جامعه ایران و گاه از سر غرض‌ورزی و آمال سیاسی چندان منصفانه و مطابق با واقع نبوده است (حکیمی، ۱۳۸۳: ۱۸).

شایان ذکر است که در میان سفرنامه‌ها و گزارش‌های متعددی که از سیاحان خارجی به

ما رسیده است، تنها معدودی از آنان نظیر بروگش^۱ (بروگش، ۱۳۴۸: ۵۹)، پولاک^۲ (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰۲)، ویلر بنجامین^۳ (بنجامین، ۱۳۶۳: ۸۲)، سرپرسی سایکس^۴ (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۰۰)، گابریل^۵، (گابریل، ۱۳۷۱: ۲۹۴) و کارلا سرنا^۶ (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۵۰) توانسته‌اند گزارش‌هایی نسبتاً دقیق از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران عصر قاجاریه در سفرنامه‌های خویش ارائه دهند. گزارش‌های سیاحان خارجی در خصوص زنان، مسائل مختلفی از قبیل پوشش، آرایش، روابط خانوادگی، خانه‌داری، همسر داری، باورها، عقاید و فعالیت‌های اقتصادی را در برمی‌گیرد.

پوشش ظاهری و حجاب زنان ایرانی از جمله موضوعاتی است که توجه بسیاری از سیاحان خارجی را به خود جلب کرده است. بیشتر سیاحان اروپایی نظیر کارلا سرنا (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۱۱)، اورسل^۷ (اورسل، ۱۳۶۲: ۱۰۵)، ماری شیل^۸ (شیل، ۱۳۶۸: ۸۸) حجاب زنان ایرانی و محصور بودن آن‌ها در خانه را نوعی مانع برای حضور اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی آنان تلقی کرده‌اند.

بر اساس نوشته‌های برخی از محققان، موقعیت و جایگاه زنان، نوع لباس، پوشاک و برخورد بین زنان و مردان در شهرها و مناطق مختلف ایران با هم تفاوت داشته است. برای مثال در کاشان، زنان کاملاً تابع شوهران خود بوده‌اند و از روزی که وارد خانه شوهر می‌شدند، وظیفه‌ای جز بریدن، دوختن و پختن نداشتند، اما در جای دیگر در توصیف زنان گیلان و زنان عرب خوزستان آمده است که آنان در رفت و آمدهای خود در انتظار عمومی آزادی بیشتری داشتند و کمتر به مسأله حجاب توجه می‌کرده‌اند (حجازی، ۱۳۹۰: ۵۶؛ توانا، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

میرزا حسین‌خان نیز در اثر خود *جغرافیای اصفهان* بر این نظر است که زنان هر شهری تابع افکار و احوال مردان و مطیع شوهران خود بوده و روزگار را به‌سختی می‌گذراندند.

1 - Brugsch
2 - Pollock
3 - Wheeler Benjamin
4 - Sir Percy Sykes
5 - Gabriel
6 - Carla Serena
7 - Orsolle
8 - M. Sheil

به طوری که بیشتر زنان بعد از فراغت، به خانه‌داری، خیاطی، چرخ‌ریسی و سایر هنرها و کارهای دستی و آموختن مسائل شرعی و احکام نماز و روزه می‌پرداختند (تحویلبدار اصفهانی، ۱۳۴۲: ۳۲۲). از میان سیاحان بسیاری که در باب پوشش ظاهری زنان سخن گفته‌اند، نظر برخی از آنان به علت ارتباط مستقیم با موضوع مورد بحث در ذیل نقل می‌شود:

گاسپار دروویل^۱ - گردشگری که در زمان فتحعلی‌شان به ایران آمد- در سفرنامه خود به پوشش و حجاب زنان ایرانی اشاره می‌کند که زنان به هنگام حضور در اجتماع با چادرهای تنگ کرباسی صورت خود را طوری می‌پوشانند که حتی دیدن ریز و درشتی چشم و یا رنگ آن غیرممکن است (دروویل، ۱۳۷۰: ۵۲). فلاندن^۲ نیز که در زمان محمدشاه در ایران بود، در سفرنامه خود از زنان ایرانی سخن گفته است. از نظر فلاندن زنان ایرانی کمتر از خانه خارج می‌شوند (فلاندن، ۱۳۲۴: ۶۷). دکتر چارلز جیمز^۳ انگلیسی که در فاصله سال‌های ۱۲۴۶-۱۲۶۱ ه.ش. در ایران به شغل طبابت مشغول بود، به حضور کم‌رنگ زنان ایرانی با چادرهای سیاه بلند و صورت‌های پوشیده در بیرون از منزل اشاره دارد (ویلز، ۱۳۶۳: ۱۰۳). خانم دیولافوا^۴ نیز که در سال‌های ۱۲۶۰ ه.ش. به ایران سفر کرده، در سفرنامه خود وضعیت پوشش زنان ایرانی را مورد توجه قرار داده و می‌نویسد که این پری پیکران هنوز با مدهای زنان درباری آشنا نشده و ملبس به لباس ایللیاتی خود هستند. به طوری که هر قدر به طرف جنوب ایران برویم بلندی جامه‌های زنان زیادتر می‌شود (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۵۲۹). کلودانه نیز در خصوص خشم مردان اروپایی از مقید بودن زنان ایرانی به مسأله حجاب در دوره مظفرالدین شاه یاد کرده است (انه، ۱۳۶۲: ۱۶۲).

فضای فرهنگی جامعه آن روزگار و آمریت مردان، زنان را از بسیاری از حقوق اساسی و نیازهای ضروری آن‌ها از جمله آموزش محروم کرده بود. جامعه چنین تصور می‌کرد که زنان نمی‌توانند باسواد شوند و مغز آن‌ها قدرت پذیرش دانش را ندارد. باسوادى زن ننگ محسوب می‌شد و بسیاری از زنان باسواد، آن را پنهان می‌کردند. نگرش زنان به وضعیت خود،

1 - Gaspard Drouville

2 - Flandin

3 - Charles James

4 - Dieulafoy

پذیرش سرنوشت و تسلیم بود. به دختران از کودکی ساکت نشستن و کم تحرک بودن و سؤال نکردن و اطاعت کردن از مردان آموخته می‌شد (سانا ساریان، ۱۳۸۴: ۷۴). دروویل نیز اشاره می‌کند که زنان ایرانی بسیار نادانند و به حکم عرف و عادت چیزی جز خواندن و نوشتن و دوخت و دوز نمی‌آموزند (دروویل، ۱۳۷۰: ۶۷). البته بر اساس شواهد تاریخی نظریه دروویل در خور تأمل و قابل نقد است و چندان مبین واقعیت نیست. چرا که برخی زنان طبقات بالا و حتی متوسط، سواد خواندن و نوشتن داشتند. بعضی از زنان صاحب قلم نیز دست به نگارش آثاری زدند که از آن جمله می‌توان به بی‌خانم استرآبادی نویسنده کتاب *معایب الرجال* اشاره کرد (استرآبادی، ۱۳۷۱: ۲۵).

علاوه بر محدودیت‌های اجتماعی، عوامل متعددی امنیت زنان را در معرض تهدید قرار داده و موقعیت آن‌ها را در حد یک کالا تنزل می‌داد. گاوین همبلی^۱ خاطر نشان می‌کند که گاه اتفاق می‌افتاد اهالی شهر یا روستا، به علت عدم پول کافی جهت جوابگویی به خواسته‌های والیان و یا حاکمان آن منطقه، به ناچار دختران خود را به آن‌ها پیشکش می‌کردند. برخی از این حکام نیز در مقابل مالیات دریافت نشده اهالی، دخترانشان را به زور تصاحب می‌کردند (همبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۷). نجم‌آبادی نیز در حکایت از دختران قوچان این مسئله را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. حملات مرزی و برده‌ستانی نیز از جمله تهدیدات امنیتی زنان بود که زمینه را برای خرید و فروش آن‌ها فراهم می‌نمود (نجم‌آبادی، ۱۳۸۱: ۶۹). در میان گزارش‌های متعددی که سیاحان خارجی پیرامون زندگی زنان ایرانی نگاشته‌اند و غالباً نیز از محدودیت آنان سخن گفته‌اند، می‌توان روایت‌هایی را یافت که به‌رغم این محدودیت‌ها از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان عصر قاجار حکایت می‌کند. لیدی شیل از جمله سیاحانی است که اعتراف می‌کند حجاب و پوشش، سبب مطرود بودن زنان ایرانی نمی‌باشد (شیل، ۱۳۶۸: ۱۷۳)، چنانکه بنجامین نخستین سفیر ایالت متحده آمریکا در ایران در عصر ناصری نیز بر این نکته اذعان دارد که زنان ایرانی با اینکه اکثراً تحصیل کرده نبوده و آشنا به تمدن غربی نیستند، با این حال در برخی از شاخه‌های هنری و حتی سیاست و دیپلماسی تبحر دارند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۸۲).

بر اساس گزارش برخی از سیاحان در بازارهای شهرهای بندری - که دریا و صید ماهی

1 - Gavin Hambly

دو پدیده‌ای هستند که با زندگی و هستی مردم آن حوالی پیوندی ناگسستنی دارند- فروشندگان زن که بر چهره‌شان بُرَق (نقاب) بسته بودند، به فروش محصولات کشاورزی و یا ماهی اشتغال داشته‌اند. البته در کنار فعالیت‌هایی که از آن یاد شد، باید به مواردی که نشانگر نقش سیاسی زنان در حکومت است نیز اشاره کرد و آن ماجرای سپردن امور شهر مذهبی قم به دست خانمی به نام فخرالملوک دختر ارشد ناصرالدین‌شاه است (فووریه^۱، ۱۳۸۴: ۲۵۸). اگرچه این مورد ارتباطی با موضوع بحث این مقاله ندارد، اما از جهت آن که نشانگر موقعیت اجتماعی زنان عصر قاجاری است ضروری می‌نماید.

از جمع‌بندی اقوال سیاحان خارجی می‌توان به تصویری کلی از مشارکتهای اقتصادی زنان در عصر قاجاریه دست یافت. لذا به‌منظور انسجام بحث و تبیین دقیق جایگاه اقتصادی زنان ضروری است که شواهد مذکور در گونه حیات شهری، مورد ارزیابی قرار گیرد.

جایگاه زنان شهری در اقتصاد عصر قاجاری

در نتیجه آشنایی زنان با اندیشه‌های غربی و گسترش اصلاحات در جامعه، زنان عصر قاجار از موقعیت و شرایط زندگی زنان اروپایی آگاهی‌هایی پیدا کردند. پیامد این آگاهی، افزایش خواسته‌ها و مطالبات جدیدی برای شرکت در سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. در این عصر، ضرورت تعلیم و تربیت و لزوم برخورداری از موقعیت‌های آموزشی مشابه مردان و تلاش برای کسب حقوق برابر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت.

یکی از عوامل روشنگری زنان شهری در فعالیت‌های اقتصادی که در این مبحث نباید از آن غافل ماند، مطبوعات این دوره است. در میان جراید این عصر، مجله ایرانشهر از جهت پرداختن به مسائل زنان اهمیت ویژه‌ای دارد. این مجله، وضعیت زنان شهری و مسائل مربوط به این طبقه از جمله تعلیم و تربیت زنان را به‌عنوان یکی از نمودهای عقب‌ماندگی جامعه، مورد بررسی قرار می‌دهد. مجله ایرانشهر به طرح مباحثی چون مقام والای زن در ایران باستان، بیان قابلیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی زنان ایران، بررسی وضعیت زنان اروپا و ارائه هشدارهای لازم در جهت عدم تقلید کورکورانه زنان ایرانی از آن‌ها، تعلیم و تربیت زنان

و طرح مسائلی درباره حجاب و مشکلات ازدواج در جامعه ایرانی پرداخته است. نویسندگان این مجله سعی کرده‌اند که توجه زنان ایران و سیاست‌مداران را به این مسئله جلب کنند و معتقدند که از میان زنان ایرانی کسانی که تحصیلات بالاتری دارند با ایجاد تشکل‌هایی برای زنان کشور خود و ارتقای سطح آموزشی و بهداشتی آنان، آگاهی را در میان زنان بالا می‌برند تا بتوانند محیط مساعدی را برای تربیت فرزندان صالح و آرامش خانواده فراهم کنند. ده مقاله این مجله به مقایسه زنان ایرانی و زنان غربی پرداخته است. نویسندگان این مجله یک نگاه مدرن آمیخته با سنت‌گرایی نسبت به زنان داشته‌اند (کاظم زاده، ۱۳۴۰: ۱-۳).

تقی‌زاده نیز در روزنامه کاوه از نخستین شخصیت‌هایی است که در دوران انقلاب مشروطه از حق زنان شهری برای تأسیس انجمن‌های مختص خود آنان دفاع کرد (صادقی، ۱۳۸۴: ۸۴). وی در بحث زنان با معرفی کتابی در مورد زنان از نویسنده آلمانی خواستار حقوق تساوی زن و مرد شد. با توجه به اوضاع آن روز ایران و عدم تعلیم و تربیت زنان، نویسندگان روزنامه کاوه بی‌محابا دم از برابری حقوق زن و مرد می‌زنند و این امر نشانگر آزادی بیان آن‌ها در گفتن مطالب و تفکرات نوگرایانه آن‌ها است. تقی‌زاده اولین کسی است که از لحاظ اقتصادی به تعلیم و تربیت زنان توجه دارد، به طوری که آن را عامل اصلی ترقی ایران می‌داند و معتقد است که بدون تربیت زنان، ایران به پایه ملیت‌های متمدن نمی‌رسد. البته باید گفت که وی بر خلاف اغلب روشنفکران آن دوره که معتقد بودند زن باید تربیت شود تا بتواند فرزندان صالحی را تحویل جامعه دهد و در امر خانه‌داری و مشاغل اقتصادی موفق باشد، در واقع یک نگاه مدرن و نو به مسائل زنان دارد و نشانه آن همین توجه به سعادت و شرافت زن و مسائل اقتصادی است. در واقع وی معتقد است که زن نه تنها باید برای موارد ذکر شده تربیت شود که بایستی برای سعادت و شرافت خود نیز تعلیم دیده تا بتواند از لحاظ اقتصادی نیز خودکفا باشد (تقی‌زاده، ۱۳۳۹: ۴۳۶-۴۳۸).

سیل اندیشه‌ها و جراید مختلف در باب حقوق اجتماعی زنان سبب آگاهی این قشر به موقعیت خویش شد. زنان طبقات بالای جامعه به‌ویژه زنان درباری و شهری که بیشتر در معرض اطلاعات مختلف در مورد تحولات جهانی و کاستی‌های خود قرار داشتند، از اولین زنانی بودند که برای رفع نارسایی‌های مربوط به زنان به پا خواستند. یکی از فعالیت‌های

مهم زنان این دوره، روزنامه‌نگاری و مقاله‌نویسی در روزنامه‌ها و مجلاتی از قبیل صوراسرافیل، کانون، عالم‌نسوان، وطن، ثریا، نامه‌بانوان، جهان‌نسوان و مجله‌نسوان بود که اغلب اوقات توسط خود آن‌ها به چاپ می‌رسید (کسروی، ۱۳۵۹: ۲۶۶-۲۶۷). نخستین مجله زنان در سال ۱۳۲۸ ه.ق. تحت عنوان «دانش» با هدف بیداری توده نسوان توسط دکتر کمال‌زاده به چاپ رسید. در سال ۱۳۳۱ ه.ق. نیز خانم مزین‌السلطنه مجله‌ای با عنوان «شکوفه» منتشر کرد که در آن موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را تشریح کرده و خواهان احقاق حق زنان بود (آفاری، ۱۳۷۷: ۲۰).

در سال ۱۳۲۵ ه.ش، انجمن «اتحادیه غیبی نسوان» با گرایش‌های تند انقلابی به‌عنوان سخنگوی جامعه زنان در تهران تأسیس شد (شهشهانی، ۱۳۷۶: ۴۷). از جمله انجمن‌هایی که با هدف دفاع از اقتصاد ملی ایران در سال ۱۹۱۰ م. در برابر تهدید روس علیه استقلال ایران تشکیل شد، «انجمن مخدرات وطن» به ریاست «آغابگم» دختر شیخ هادی نجم-آبادی بود. انجمن از مردم خواست تا برای پوشاک خود از پارچه‌های ایرانی استفاده کنند (بامداد، ۱۳۴۷، ج ۲: ۱۳؛ احمدی خراسانی، ۱۳۷۶: ۲۴). از دیگر امور اجتماعی این دوره که زنان به آنان اشتغال داشتند، دایر کردن یتیم‌خانه‌ها با هدف مبارزه با خرید کالاهای اروپایی بود (کسروی، ۱۳۵۹: ۲۴-۲۹). این داده‌ها و شواهد تاریخی نشانگر افزایش آگاهی‌ها و درک اقتصادی زنان عصر قاجاریه است. چنین آمالی در نشریه «نسوان وطن‌خواه» که ناشر آن محترم اسکندری بود نیز بازتاب پیدا کرده است. در این نشریه نیز گسترش صنایع ملی به‌عنوان یکی از اهداف اساسی این نشریه مطرح شده است (سانا ساریان، ۱۳۸۴: ۶۴).

در کنار انجمن‌ها و تشکلات حقوق زنان و اهداف آن‌ها باید از عریضه‌های ارسالی زنان به مجلس شورای ملی نیز یاد کرد. مضمون و روح حاکم بر این عریضه‌ها، بیانگر درک زنان آن روزگار به موقعیت و جایگاه خود به‌عنوان یک شهروند است. بدون شک این آگاهی برای زنان از راه مطالعه‌ی جراید و آثار روشنفکران و حضور در محافل مدنی به دست آمده بود. زنان عریضه‌نویس در ورای طرح خواسته‌های شخصی خود، مطالباتی چون دفاع از حقوق اقتصادی خود را دنبال می‌کردند (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۳).

علاوه بر مطبوعات، آثار سیاحان داخلی و خارجی نیز آگاهی‌هایی را در مورد وضعیت

زنان ایران و مقایسه آنان با زنان فرنگی انتشار داده‌اند. در میان این سیاحان، میرزا صالح شیرازی نیز در اثر خود درباره تربیت اطفال مطالبی بیان می‌کند. وی از اهتمام انگلیسی‌ها در تربیت و فراگیری آموزش زبان‌های خارجی، آموختن موسیقی و هنرهایی از این دست سخن گفته و می‌نویسد: «انگلیسی‌ها در تربیت دختران اولاً آن‌ها را به مکتب‌خانه فرستاده، فوراً زبان انگلیسی و بعد از آن زبان فرانسه و ایتالیا را به آنان تعلیم داده، لیکن بعضی زنان در زبان لاتین نیز ماهر می‌شوند. همچنین به دختران خیاطی و آداب خانه‌داری و طریقه رفتار با شوهبران و منسوبان آن‌ها را تعلیم می‌دهند که فرضاً دختر ۱۵ ساله که از مکتب بیرون می‌آید، در کمالات ظاهری از قبیل خیاطی، خانه‌داری، رفتار و کردار با مردم و شوهر خود، نواختن سازها، خواندن فرانسه، ایتالیا و نقاشی ماهر است» (شیرازی، ۱۳۶۲: ۳۳۱). مظفرالدین شاه قاجار نیز در سفرنامه‌اش به هنرها و تفریحات زنان اشاره کرده است. اشارات وی تفاوت‌های زنان ایرانی و فرنگی را نشان می‌دهد (مظفرالدین شاه، ۱۳۶۱: ۱۸۵). در واقع چیزی نگذشت که ظهور تفکرات نوگرایی در عصر قاجار در تغییر نگرش زنان شهری نسبت به حضور خود در اجتماع نقش مهمی ایفا کرد، که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد. زنان شهری از نظر موقعیت خانوادگی، اقتصادی و میزان ارتباط با حاکمیت و سایر عوامل در دسته‌بندی‌های خاصی جای می‌گیرند و از این نظر یکدست نبوده و سنخ واحدی را تشکیل نمی‌دهند. با توجه به این تفاوت‌ها، نحوه مشارکت آن‌ها نیز متفاوت است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

فعالیت‌های اقتصادی (الف) تجارت

برخی از منابع تاریخ محلی به‌ویژه منابعی که در باب تاریخ تهران نگاشته شده به ارائه شواهدی پرداخته‌اند که نشانگر حضور برخی از زنان ثروتمند شهری در اقتصاد بازار می‌باشد. برای نمونه می‌توان از بازارچه معروف زعفران باجی یاد کرد که متعلق به یکی از کنیزان و مطربان ناصرالدین‌شاه بوده است (نجمی، ۱۳۶۴: ۱۲۸). طبق گزارش آمار دارالخلافه و اسناد تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار مقارن سال‌های ۱۲۶۹، ۱۲۸۶، ۲۰-۱۳۱۷ زبانی از طبقه شهری صاحب املاک بودند که از آن جمله می‌توان به فاطمه سلطان خانم که کاروانسرای بزرگ داشت و حاجی مریم خانم که در محله دولت صاحب ۲۶ دکان بود، اشاره

کرد (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۳۰).

در بحث زنان شاغل نیز باید از زنان شهری خدمه دربار یاد کرد که در اندرون ایفای وظیفه می‌کردند. رنه دالمانی^۱ در سفرنامه خود زنان شهری خدمه دربار را زنان قابل اعتمادی می‌داند که مسئولیت‌هایی چون حفاظت از جواهرات، صندوقداری، رئیس تشریفات و غیره به آن‌ها سپرده می‌شده است (دالمانی، ۱۳۷۸: ۳۴۹).

یکی از مشاغل زنان شهری دوخت و دوز بوده که برخی از آنان به سبب توانمندی- هایشان دایره فعالیت‌های خود را از حوزه آشنایان و همسایگان‌شان فراتر برده و موفق شدند که از طریق ارائه خدمات خود به دولت، جایگاه مهمی را در اقتصاد آن دوره به دست آورند. از جمله آن زنان شهری می‌توان به خورشید خانم نیز اشاره کرد که وی با بستن قراردادی، دوختن لباس ارتشیان را متعهد گردید. در وقایع/تفاقیه نیز آمده است: «امور مباشرت نظام نیز به قانون تازه‌ای درآمد برای یکسان کردن لباس نظام کلیجه و شلوار تنگ اتریشی معمول شد. ملبله‌دوزی و مفتول‌دوزی نیز از اتریش اقتباس گردید و دوختن تکمه شیر و خورشید نخستین بار مرسوم شد. این تکمه‌ها را نخست از انگلیس وارد کردند و سپس در ایران ساختند. کار زردوزی لباس صاحب‌منصبان به عهده خورشید خانم «ضعیفه تهرانی» واگذار شد و از آنجا که خوب از عهده آنها برآمد، دولت مقرر داشت که شاگرد بسیار نگه دارد و تا مدت پنج سال احدی در عمل او شراکت ننماید» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۱۲۵؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۱۲۰).

ویلز^۲ در ملاقاتی که با زنان آرامنه جلفای اصفهان داشته از فعالیت زنان این منطقه در اقتصاد خانواده سخن گفته و می‌نویسد تعدادی از زنان ارمنی با تبدیل حیاط خانه خود به یک مغازه یا شیرینی‌پزی و نانوائی و عده‌ای با بافتن جوراب یا ژاکت برای مردها به کاسبی می‌پردازند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۹۰). وی با مقایسه مردان و زنان ارمنی نقش فعال‌تری را به زنان ارمنی داده است. ویلرینجامین نیز درباره گلدوزی زنان شهری به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی پردرآمد می‌نویسد: «یکی از صنایع ایران که اکنون دیگر رواج ندارد، گلدوزی البسه نسوان است و آن قسم گلدوزی را ایرانیان نقش می‌نامند چون در این مایه لباس خانگی بانوان

1 - René d'Allemagne

2 - Wills

تغییر کلی به هم رسانده است و آن را خیلی مختصر کرده‌اند و گلدوزی‌های سابق منسوخ گردیده است. در قرون ماضیه، نسوان ایرانی آن قدر اوقات و سلیقه به کار برده، سنوات متمادی عمر خود را در انزوای اندرون به کار برده‌اند تا این صنعت را به کمال رسانده‌اند. گلدوزی دیگری که به دست زن‌ها ساخته می‌شود، گلدوزی کتان است که برای سجاده و یا روبند می‌سازند. از جمله دیگر صنایع ایران شال‌های کرمان است که هنوز منسوخ نشده است. کلیه شال‌های کرمان به طرز شال‌های کشمیر و حتی قشنگ‌تر از آن است. گلدوزی دیگری که نباید از ذکر آن غافل شد گلدوزی‌هایی است که از سیم طلا و نقره می‌ساختند. در حقیقت با بهترین گلدوزی‌های فرنگ که در قرون متوسط ساخته شده رقابت می‌نمایند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۳۹۱).

نمونه دیگر از فعالیت زنان شهری در زمینه اقتصادی، می‌توان به کمک مالی زنان قزوین به بانک ملی سعدالدوله اشاره کرد. اواخر سلطنت مظفرالدین شاه، دولت مشیرالدوله تصمیم گرفت که برای تأمین برخی مخارج دولتی و کشوری از دولت روس و انگلیس وامی با سود هفت درصد دریافت کند. این تصمیم با مخالفت مجلس و مردم روبه‌رو شد، در نتیجه آن دولت از اجرای تصمیم خود دست برداشت و مجلس برای این که پول کافی برای دولت فراهم کند، تأسیس بانک ملی را به تصویب رساند. زنان در فراهم آوردن پول و تأسیس مجلس فداکارانه شرکت کردند. زنی از قزوین برای سعدالدوله (رئیس مجلس) نوشت: «مقدار ناقابل از زیورآلات خودم که برای ایام سخت ذخیره کرده بودم را به جهت بانک ملی می‌فرستم. اشیای اهدایی را اعضاء محترم بانک ملی به امانت و شرافت بفروشنند، سهم بانک بخرند و برایم روانه کنند» (ناهدی، ۱۳۶۰: ۵۵). اما مردان جواهرات را خریده و به زنان برگشت دادند تا غیرت مردانگی‌شان خدشه‌دار نشود (کرمانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۷۴؛ فتحی، ۱۳۸۳: ۲۱). در واقع زنان گرچه در این مورد، در عمل مشارکتی نداشته‌اند، اما اقدام ایشان نشانگر تمایلشان در این امر بوده است.

با توجه به مطلب فوق می‌توان دریافت که یکی از نمودهای افزایش درک و آگاهی‌های اقتصادی زنان در این دوره، مشارکت‌های فعالانه آنان در تأسیس بانک و سرمایه‌گذاری در این زمینه بوده است. به نظر می‌رسد که اندیشه‌های نوین اقتصادی که از سوی روشنفکران و زمانی نیز در میان تجار مطرح شده، نقشی مهم در افزایش آگاهی‌های اقتصادی زنان

داشته است. در این میان باید از امین‌الضرب یاد کرد که در مکاتباتش، عمده‌ترین اسباب ترقی فرنگستان را تأسیس بانک دانست و آن را یک ضرورت حتمی در اصلاح ساختار اقتصادی کشور عنوان کرد (تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ۱۳۳۸: ۴۷-۵۱). به عقیده امین‌الضرب، فرنگیان به اعتبار سرمایه‌های بانکی، کارخانه‌های معتبر، راه‌آهن، خطوط تلگرافی و سایر اسباب، آبادی مملکت خویش را فراهم ساخته‌اند. وی در نامه‌ای که در تاریخ ۵ رمضان ۱۲۹۶ ه.ق. به شاه نوشت، ضمن اشاره به اهمیت بانک به وی پیشنهاد می‌کند که در ایران بانکی تأسیس شود. در طی این نامه، امین‌الضرب متذکر می‌شود که همه مردم حتی بیوه زنان می‌توانند طلا و نقره خود را تبدیل به پول کرده و در اختیار بانک قرار دهند (مهدوی، ۱۳۷۹: ۱۵۰؛ ترابی فارسانی، ۱۳۴۲: ۹۱).

یک نمونه بسیار جالب دیگر از تفکرات نوگرایانه در اذهان زنان عصر قاجار را آندرانیک هوویان در روزنامه همشهری آورده است که آن تأسیس «انجمن خیریه زنان ارمنی تهران» بود. بانوان ارمنی در سال ۱۲۹۵ ه.ش. برای اعاده حق و حقوق خود بر آن شدند که مجمعی عمومی تشکیل دهند. از جمله برنامه‌های تصویب شده در مجمع، احداث کودکانی برای کودکان ارمنی بود که حرکتی کاملاً مستقل و بدون دخالت و حمایت مردان بود (هوویان، ۱۳۸۳: ۲). شایان ذکر است، اگرچه اطلاعات در مورد مشاغل زنان کارگر شهری بسیار اندک است و سیاحان اروپایی نیز کمتر به این مورد پرداخته‌اند، اما حضور آنان در فعالیت‌های اقتصادی نباید نادیده گرفته شود. سون هدین^۱ در سفرنامه کوپره‌های ایران از زنان کارگر شهری در کارخانه‌های ابریشم‌بافی دیدن کرده و از چند زن کارگر ارمنی عکس گرفته است (هدین، ۱۳۵۵: ۱۰۵).

در بررسی مشاغل و مشارکتهای اقتصادی زنان شهری باید از فعالیت‌های هنری این طبقه - مشاغلی چون خیاطی، جوراب‌دوزی، سوزن‌دوزی و گیوه‌دوزی - که غالباً در خانه صورت می‌گرفته است، یاد کرد. در ذیل نیز به گزارش سیاحان، در باب کارهای هنری پرداخته می‌شود:

بلوشر در خصوص مشارکت زنان شهری در زمینه کارهای هنری می‌نویسد که زنان شهری معمولاً باسواد هستند و به ادب و شعر مملکت خویش آشنایی دارند و اغلب آن‌ها

قرائت قرآن می‌دانند و بسیاری از زنان شهری به هنرهای گوناگون اشتغال دارند (بلوشر، ۱۳۶۹: ۲۰۷). ویلز در سفرنامه خود در دیدار از بازار اصفهان از اشتغال زنان شهری به خیاطی به‌عنوان یکی دیگر از فعالیت‌های اقتصادی زنان پرداخته و می‌نویسد بعضی از خیاطان سطح بالای کار را به‌صورت روز مزد قبول می‌کنند و برای هر روز مزد خود دو تا سه ریال دریافت می‌کنند و خیاطان زنانه (زنان خیاط) هم مزدشان از روزی ۱۰ شاهی در روز با صبحانه مجانی تجاوز نمی‌کند (ویلز، ۱۳۶۸: ۲۲۹). کلارا کولیوررایس^۱ در سفرنامه خویش با عنوان *زنان ایرانی* به شغل خیاطی زنان اشاره دارد. وی بر این نظر است که شمار زیادی از زنان در ایران به شغل خیاطی مشغول هستند، پیراهن و شلوار گشاد مردانه و لباس زنانه می‌دوزند و هیچ یک به‌اندازه یک زنانه‌دوز احساس نیاز به کسب مهارت نمی‌کند. بسیاری جامعه‌ها را در خانه می‌دوزند و آنگاه بر سر گذرهای بازار می‌نشینند و آن‌ها را به فروش می‌رسانند (رایس، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

از دیگر فعالیت‌های اقتصادی که مورد توجه کلارا کولیوررایس قرار گرفت، جوراب‌دوزی و سوزن‌دوزی زنان بوده است. به‌طوری که بسیاری از زنان جوراب‌های دست‌باف از نخ خاکی رنگ را برای استفاده مردان، زنان و کودکان تهیه می‌کردند. وی در جای دیگری از سفرنامه‌اش به سوزن‌دوزی زنان ایرانی اشاره می‌کند که بیش از هر حرفه دیگری، زنان و دختران شهری در پیشه سوزن‌دوزی به کار گماشته می‌شدند و شمار زیادی از آنان با علاقه به این حرفه روی می‌آوردند. وی در باب خیاطی زنان یهودی نیز مطالبی را آورده و می‌نویسد، بسیاری از زنان یهودی خیاطی‌های زیبا انجام می‌دهند و در بافتن رویه‌های کفش کتانی هنرمندند و به این دلیل در یزد اکثر آنان در تولیدات اقتصادی سهیم هستند (همان: ۱۶۲).

ب) خدمات

در کنار فعالیت‌های زنان در حوزه اقتصاد، بخشی از مشاغل زنان شهری، مشاغل خدماتی است. بر اساس اسنادی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار از جمله این مشاغل می‌توان به دایگی، پرستاری از کودکان، مامایی و طبابت اشاره کرد. لیدی شیل در خاطرات خود به‌صورت مفصل به این بحث پرداخته است. او می‌نویسد زن‌هایی که به‌عنوان پرستار

1 - Clara Colliver Rice

به استخدام ما درمی آمدند در اجرای عبادات دینی خود بسیار دقیق بودند. از سوی دیگر آنان اصولاً زنان فقیری نبودند تا احتیاجی به کار در نزد ما داشته باشند. با وجود اینکه همه آنها به خوبی از شرایط استخدام خبر داشتند و می دانستند که در صورت پذیرفتن باید ترک خانه و خانواده کنند، به خاطر شهرت انگلیسی ها در برگزیدن افراد درستکار با میل و رغبت، رنج دوری از خانواده را به جان می خریدند. وی نیز اشاره می کند که زنان شهری با مشاهده کارهای گلدوزی من، در باطن مرا تحقیر می کردند و به زعم خودشان این قبیل امور را در شأن و مقام من نمی دانستند (شیل، ۱۳۶۸: ۲۰۶). در مورد تحقیر لیدی شیل توسط زنان ایرانی می توان تصریح کرد که فرهنگ حاکم بر جامعه به آنها قبولانده بود که فقط طبقات متوسط جامعه و نیازمند باید به چنین مشاغلی روی آورند و به عبارت دیگر شغل هر کس باید با شأن و منزلت او همخوانی داشته باشد. همچنین در مورد پذیرش دایگی از سوی بسیاری از زنان به نظر می رسد که سبک بودن زحمت کار نسبت به دیگر مشاغل، سبب این امر گردیده است. از سوی دیگر چون لیدی شیل یک خانم انگلیسی بوده احتمالاً معاشرت و هم نشینی با او برای زنان ایرانی جذاب بوده است.

عبدالله مستوفی نیز در شرح زندگانی خویش به دلایل گرفتن دایه اشاراتی کرده است. وی بر این باور است که خانواده هایی که آقای خانه به لحاظ سنی مسن بود و تحمل تماشای گهواره و شنیدن زاق و زیق بچه را نداشت، حتماً برای اولاد خود دایه می گرفتند. همچنین گذشته از سلامت مزاج، توجه مخصوصی هم به اخلاق و نجابت دایه داشتند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۵۴).

مامایی نیز از جمله شغل هایی است که در تمام طول تاریخ ایران به دست زنان انجام می گرفته است. دالمانی سیاح دوره ناصرالدین شاه به این شغل اشاره کرده و می نویسد عمل مشکل زایمان را غالباً زنان انجام می دهند و قابله تحصیل کرده در میان زنان شهری کم تر است (دالمانی، ۱۳۷۸: ۴۲۷).

حرفه طبابت از دیگر مشاغل مهم در میان زنان بوده است. ادوارد براون^۱ در کتاب یک سال در میان ایرانیان مطالبی را در خصوص طبابت و اشتغال یک پیرزن طبیب به این حرفه مطرح کرده است. وی می گوید برنامه کار من این بود که هر روز صبح برای معاینه خانم

1 - Edward Browne

اروپایی به منزل او رفته و با او صحبت می‌کردم و از وی شنیده بودم که چگونه یک پیرزن طبیب ایرانی که قبل از من برای معالجه او آمده بود، می‌گفت که جهت شفای بیماری، بعضی از سوره‌های قرآن را باید نوشت و در آب شست و سپس آب را به بیمار داد (براون، بی‌تا، ج ۲: ۸۳۲).

همچنین ایزابلا بی‌شوب^۱ خانم اسکاتلندی الاصلی که در زمان ناصرالدین‌شاه سفری به ایران داشته است، مورد بسیار جالبی درباره طبابت زنان بختیاری یادآور می‌شود. وی در این باره می‌نویسد، معمولاً بختیاری‌ها زنان را از اشتغال به بعضی حرفه‌ها منع می‌کنند، ولی در مورد طبابت از آنان جلوگیری نمی‌کنند. حرفه طبابت به‌طور ارثی به بعضی از زن‌ها منتقل می‌گردد. بعضی از آنان در خارج کردن گلوله از بدن مجروح از شهرت خاصی برخوردارند. اگر پدر در فن طبابت سررشته داشته باشد، ترجیح می‌دهد این فن را به دخترانش بیاموزد. «به‌طوری که مادر بزرگ عزیزخان فن طبابت را از یک پزشک هندی در فارس یاد گرفت و مادرش به‌عنوان یک جراح در بیرون آوردن گلوله از بدن یک زخمی مهارت داشت. دستمزد یک زن جراح بسیار گران است. یک مرد کم‌بضاعت برای خارج کردن یک گلوله و مداوی خود مبلغی بین ۱۵ تا ۲۰ تومان و یک مرد ثروتمند برای همین عمل در حدود ۴۰ تا ۶۰ تومان می‌بایست پرداخت کند» (بی‌شوب، ۱۳۷۵: ۱۶۹).

طبق گزارش برخی از سیاحان، عده‌ای از زنان شهری از طریق روسپیگری کسب درآمد می‌کردند. اسکات وارینگ^۲ نیز در گزارش خود از زنانی که به این حرفه اشتغال داشته‌اند سخن گفته است (وارینگ، ۱۸۰۷م: ۶۰۸). وی نیز اشاره دارد که مقامات به دختران رقاصه رسماً اجازه کار داده و از آن‌ها مالیات می‌گیرند، به‌طوری که این دست از زنان سنگین‌ترین مالیات را به حکومت می‌پردازند. آنان حرفه خود را زیر نظارت حاکم انجام می‌دهند. نام، سن و مشخصات آن‌ها با دقت ثبت می‌شود. آن‌ها بر حسب شایستگی خود به طبقاتی تقسیم شده‌اند و هر طبقه در خیابان جداگانه‌ای سکونت دارد (همبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۸). دکتر پولاک نیز ضمن اشاره به این شغل از بالا بودن دستمزد آن‌ها اظهار تعجب کرده است. از نظر وی مزدی که برای این حقوق می‌پرداختند اغلب از تصور خارج است. همچنین غیر از پرداخت

1 - Isabella Bishop

2 - Scott Waring

مبالغ مهمی پول نقد به این زنان هنرمند، اغلب شال‌های گران‌بهای هندی نیز به‌عنوان هدیه به آن‌ها پرداخت می‌شده است (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰۲). همچنین در گزارش لایارد^۱ از اصفهان (۱۲۲۰-۱۲۱۹ ه.ش.) نیز اشاراتی به زنان رقاچه شده است (لایارد، ۱۳۷۶: ۶۰۹). در واقع مشاغل کاذب در اقشار طبقه پایین جامعه عصر قاجار نیز به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که روی آوردن بسیاری از طبقات پایین برای رقاچه اجباری بوده که حال یا به دلیل فساد حاکم بر جامعه عصر قاجاری یا وجود قاچاق گسترده زنان برده در این دوره بوده است. گاوین همبلی در *تاریخ ایران کمبریج* به این موضوع اشاراتی کرده است. وی بر این نظر است که قاچاق زنان برده و نیز بی‌پناهی آنان که از حمایت خانواده و خویشاوندان خویش محروم بودند، علت حضور برخی از زنان را در این حرفه آشکار می‌کند. البته این‌گونه اشتغالات رسماً ناپسند تلقی می‌شد و در بعضی از جاها غیرقانونی بوده است (همبلی، ۱۳۸۷: ۶۰۸).

با توجه به آنچه گذشت می‌توان دریافت که از نظر مشارکت‌های اقتصادی بیشترین تحول در زمینه زندگی زنان شهری پدید آمد. در واقع به دنبال گسترش نوگرایی و انتشار افکار تجددگرایانه، زنان نیز از این تحولات برکنار نماندند و هم از بُعد اقتصادی و هم سیاسی خواستار تغییر وضع موجود و مطالبات جدیدی در راستای حقوق اجتماعی و اقتصادی خود برآمدند که می‌توان به گزارش‌های متعددی از حضور آنان در صحنه‌های سیاسی به‌ویژه در جریان نهضت تنباکو و مشروطیت اشاره کرد. گرچه این موضوع به بحث ما ارتباطی ندارد، اما می‌توان تأثیر جریان نوگرایی در اندیشه‌ها و آرای اقتصادی که در محافل زنان مطرح می‌شده است را ملاحظه کرد. برای نمونه در برخی از جراید نسوان بحث حمایت از کالاهای وطنی و تحریم کالاهای خارجی مطرح می‌شود که این خود نشانگر رشد تفکر اقتصادی و نگرش‌های آنان در این عرصه بوده است (سانا ساریان، ۱۳۸۴: ۶۴). همچنین زنان شهری به دلیل برخورداری از امکاناتی چون سواد، دسترسی به برخی از متون و فرصت استفاده از تجربیات پزشکان خارجی و سایر مزایا در جامعه از دیگر اقشار زنان از قبیل زنان روستایی و عشایری پیشی گرفتند.

1- Layard

نتیجه‌گیری

از جمع‌بندی شواهد تاریخی می‌توان دریافت که سفرنامه‌های سیاحان خارجی دربردارنده اطلاعات فراوانی در باب مشارکت‌های اقتصادی زنان ایرانی عصر قاجار است. این گزارش‌ها ضمن اشاره به محدودیت‌های زنان ایرانی از جهت حضور در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی آنان نیز اشاره کرده‌اند.

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌توان اظهار داشت که آنچه زمینه حضور زنان عصر قاجار را در عرصه‌ی اقتصادی فراهم آورد، اندیشه‌ها و آثار روشنفکران و ایده‌های نوگرایانه‌ای بود که گاه از سوی اصلاح‌گران اجتماعی و زمانی از سوی تجار مطرح می‌شد. این ایده‌های نوگرایانه، سبب روشنگری اذهان و افزایش آگاهی‌های زنان در مورد حقوق اجتماعی‌شان شد. در پرتو این روشنگری‌ها، مطالبات حقوقی جدیدی در میان زنان عصر قاجار مجال طرح پیدا کرد. آگاهی‌ها و رشد درک اقتصادی آنان نه تنها زمینه حضورشان را در جنبش‌های اعتراضی فراهم کرد، بلکه آنان را به حوزه‌ی سرمایه‌گذاری در جهت تأسیس نهادهای اقتصادی نو (نظیر بانک) نیز رهنمون ساخت. در کنار این شرایط درون‌گونه‌ی زیست شهری نیز بستر اشتغال زنان نیز فراهم گردید.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۹)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی.
- -----، (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، تهران، خوارزمی.
- آقاری، ژانت (۱۳۷۷)، *انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، نشر بانو.
- آل داوود، سیدعلی (۱۳۵۵)، *اسناد و نامه‌های امیرکبیر*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- آوری، پیتر (۱۳۷۳)، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۳)، «زن در جامعه قاجار»، نشریه کلک، ش ۵۵ و ۵۶، مهر و آبان، ۲۷-۵۰.
- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۷۶)، «از محافل زنانه تا تشکلهای مستقل زنان، راهی به سوی جامعه مدنی»، فرهنگ توسعه، ویژه‌نامه زنان، ۱۲-۱۸.
- استرآبادی، بی‌بی خانم (۱۳۷۱)، *معایب الرجال*، به کوشش افسانه نجم‌آبادی، شیکاگو، میرلند پرس.
- اورسل، ارنست (۱۳۶۲)، *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران، پیام.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۵۵)، *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، تهران، طوس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات*، تهران، امیرکبیر.
- -----، (۱۳۵۷)، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، تهران، روزبهان.
- انه، کلود (۱۳۶۲)، *اوراق ایرانی، خاطرات سفر کلود انه در آغاز مشروطیت*، ترجمه ایرج پروشاتی، تهران، معین.
- براون، ادوارد گرانویل (بی‌تا)، *یک‌سال در میان ایرانیان*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران، کانون معرفت.
- بلوشر، ویبرت (۱۳۶۹)، *سفرنامه بلوشر (گردش روزگار در ایران)*، ترجمه کیکاووس

- جهانداری. تهران، خوارزمی.
- بروگش، هنریش (۱۳۴۸)، *سفری به دربار سلطان صاحب قران*، ترجمه مهندس کردبچه، تهران، اطلاعات.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷)، *از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران، ابن‌سینا.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه آوانس خان و تصحیح ذکاء‌الملک فروغی. به اهتمام رحیم رضازاده ملک. تهران، گلبانگ.
- بیثوب، ایزابلا (۱۳۷۵)، *از بیستون تا زردکوه بختیاری*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران، سپند.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
- *تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ۱۳۰۷-۱۳۳۷*، (۱۳۳۸)، به کوشش محمد نصیری و همکاران، تهران، بانک ملی ایران.
- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین‌خان (۱۳۴۲)، *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۴۲)، *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*، تهران، نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص).
- تقی‌زاده، حسن (۱۳۳۹)، «*دیبچه سال دوم کاوه*»، مجله کاوه، ش ۱، س ۲، جمادی‌الاول، ۱۲-۲۵.
- توانا، مرادعلی (۱۳۸۰)، *زن در تاریخ معاصر ایران*، تهران، برگ زیتون.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۴)، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، تهران، سخن.
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۰)، *تاریخ خانم‌ها*، تهران، قصیده‌سرا.
- حکیمی، محمود، (۱۳۸۳)، *همراه با سیاحتان و جهانگردان*، تهران، آروین.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر طاووس.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، شباویز.
- دیولافوا، ژن (۱۳۶۱)، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه همایون فره وشی (همایون سابق)، تهران، خیام.

- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران، کتابدار.
- سانا ساریان، الیز (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران / طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*. ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران، اختران.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۳)، *ده هزار میل در ایران*، مترجم حسین سعادت نوری، تهران، دنیای کتاب.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *آدمها و آیینها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۶)، «زن ایرانی، یک مسئله سیاسی است»، فرهنگ توسعه، س ششم، ویژهنامه زنان، ۳-۱۱.
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۶۲)، *گزارشی از سفر میرزا صالح شیرازی*، به کوشش شهید همایون، تهران، راهنو.
- شیل، ماری لیدی (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابی، تهران، نشر نو.
- صادقی، فاطمه (۱۳۸۴)، *جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران*، تهران، قصیده سرا.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹)، *تاریخ اقتصاد ایران*، تهران، گستره.
- فتحی، مریم (۱۳۸۳)، *کانون بانوان*، تهران، مؤسسه مطالعات و تاریخ معاصر ایران.
- فصیحی، سوسن (۱۳۸۹)، «حقوق شهروندی در عریضه‌های زنان در عصر مشروطه (دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی)»، فصلنامه تاریخ ایران، ش ۶۵، ۱۴۷-۱۶۶.
- فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۲۴)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، اصفهان، نقش جهان.
- فوران، جان (۱۳۷۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۴)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، نوین.
- کاظم‌زاده، حسین (۱۳۴۰)، «مجله ایران‌شهر»، س ۱، ش ۱، ذی‌القعدة.
- کسروی، احمد (۱۳۵۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۲)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران، نوین.
- گابریل، آلفونس (۱۳۷۱)، *عبور از صحاری ایران*، ترجمه فرامرز سمیعی، مشهد، آستان قدس.
- لایارد، اوستین هنری (۱۳۷۶)، *سفرنامه لایارد*، ترجمه مهرباب امیری، تهران، آنزان.

- مریدی، سیاوش (۱۳۸۱)، *تاریخ اقتصاد*، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه*، تهران، زوار.
- مکی، حسین (۱۳۵۵)، *زندگی میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، تهران، ایران.
- مظفرالدین شاه (۱۳۶۱)، *سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه به فرنگ*، به کوشش علی دهباشی، تهران، فرزانه.
- مهدوی، شیرین (۱۳۷۹)، *زندگی‌نامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب*، ترجمه منصوره اتحادیه، فرحناز امیرخانی حسینک لو، تهران، نشر تاریخ ایران.
- ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰)، *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز، احیاء.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۱)، *حکایت دختران قوچان*، تهران، مطالعات زنان.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۴)، *طهران عهد ناصری*، تهران، عطار.
- نویی، عبدالحسین (۱۳۶۹)، *تاریخ ایران و جهان*، تهران، نشر نی.
- هدین، سون آندرس (۱۳۵۵)، *کویرهای ایران*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا.
- همبلی، گاوین (۱۳۸۷)، «شهر سنتی ایران در دوره قاجار»، *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، امیرکبیر، تهران.
- هوویان، آنتیک (۱۳۸۳)، «زنان ارمنی در عصر قاجاریه»، همشهری، س دوازدهم، ش ۳۳۹۶، خرداد.
- وارینگ، ادوارد اسکات (۱۸۰۷م)، *سفری به شیراز از راه کازرون و فیروزآباد*، لندن.
- *وقایع اتفاقیه* (۱۳۶۱)، مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۳۲۲-۱۲۹۱، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، نشر پیکان.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش*، *سفرنامه دکتر ویلز*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، اقبال.
- ----- (۱۳۶۳)، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه سید عبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران، طلوع.